

بررسی نگرش سهامداران نسبت به بورس و تأثیر آن بر درآمد، اشتغال و تنوع در فعالیتهای اقتصادی: مطالعه موردی شهرهای اصفهان، کرج، سمنان، همدان، قم، شیراز، زنجان

مهدی براتی دهکردی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه علم و هنر یزد
m.barati367@yahoo.com

داریوش فرید

دانشیار مدیریت بازرگانی دانشگاه یزد
darush.farid@gmail.com

هدف اصلی پژوهش، بررسی نگرش سرمایه‌گذاران نسبت به بورس و بررسی تأثیر آن بر درآمد، اشتغال و تنوع در فعالیتهای اقتصادی می‌باشد و به‌صورت موردی در شهرهای همدان، سمنان، شیراز، زنجان، قم، کرج و اصفهان مورد آزمون واقع گردید. هدف توسط ۶ فرضیه مورد آزمون واقع شده است. این تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی از شاخه میدانی است و روش گردآوری مباحث نظری آن کتابخانه‌ای بوده و داده‌های آن به‌صورت نمونه‌گیری از طریق پرسشنامه به‌دست آمده است. در این پژوهش از آزمون کای دو برای بررسی نگرش سرمایه‌گذاران نسبت به بورس و از آزمون همبستگی پیرسون به‌منظور بررسی رابطه بورس بر درآمد و اشتغال و تنوع در فعالیتهای اقتصادی و از آزمون ANOVA به‌منظور بررسی نگرش و وضعیت اقتصادی شهرهای مورد مطالعه نسبت به بورس استفاده گردید. نتایج حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران نگرش مطلوبی نسبت به بورس ندارند و بین سرمایه‌گذاری در بورس و میزان درآمد و اشتغال و تنوع در فعالیتهای اقتصادی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، به این معنا که سرمایه‌گذاری در بورس موجب افزایش درآمد، اشتغال و افزایش تنوع در فعالیتهای اقتصادی جامعه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سازمان بورس اوراق بهادار، توزیع درآمد، اشتغال، متنوع سازی فعالیت‌ها.

۱. مقدمه

امروزه عملکرد بازار سرمایه در کشورهای پیشرفته به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی سیاست‌ها، تغییرات مالی، اقتصادی و بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تداوم فعالیت بورس اوراق بهادار در هر کشور، به منزله تداوم مراحل رشد و تکامل اقتصادی به‌شمار می‌رود. بورس اوراق بهادار از ارکان مهم اقتصادی محسوب می‌شود که منابع مالی لازم از طریق آن جمع‌آوری می‌شود و برای

رشد و توسعه کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش اصلی بورس اوراق بهادار جذب و هدایت پس‌اندازها و نقدینگی سرگردان و پراکنده در اقتصاد به سوی مسیرهای بهینه آن است به طوری که به تخصیص بهینه منابع کمیاب مالی منجر شود، اما این امر مهم منوط به وجود کارایی بازار است. کارا بودن بازار از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا در صورت کارا بودن بازار سرمایه هم قیمت اوراق بهادار به درستی و عادلانه تعیین می‌شود و هم تخصیص سرمایه که مهم‌ترین عامل تولید و توسعه اقتصادی است به صورت مطلوب و بهینه انجام می‌گیرد (دانیالی ده‌حوض و منصور، ۱۳۹۱).

اواسط قرن ۲۰ نیاز برنامه‌های فقرزدایی، نزول اهمیت تئوری تابعی توزیع درآمد با توجه به نابرابری‌های درآمدی، موفقیت تئوری سرمایه انسانی به‌عنوان تفسیری از تئوری توزیع مقداری درآمد، در دسترس قرار گرفتن داده‌ها، امکان تجزیه و تحلیل سریع‌تر داده‌ها و در نهایت مباحث روشنفکرانه درباره عدالت توزیعی، به تکامل اندیشه توزیع درآمد و شکل‌گیری شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی کمک شایانی کردند (شاگری و مالکی، ۱۳۸۸).

در ایران به دلیل عدم اطلاع رسانی کافی، فقدان آگاهی و آشنایی با مکانیزم بازار، عدم اعتماد به کارگزار و فقدان شرایط برای سرمایه‌گذاری، استفاده کارآمد از بورس فراهم نشده و برای رسیدن به کارایی در این بازار نسبت به بازارهای جهانی می‌بایست جهت سرمایه‌گذاری در بورس ایران در بلندمدت تبلیغ و فرهنگ‌سازی صورت پذیرد. این مسئله در سطح منطقه‌ای نیز مطرح بوده و به این لحاظ است که ایجاد تالار بورس در شهرهای بزرگ می‌تواند ضمن گسترش و ترویج فرهنگ سهامداری با فراهم نمودن امکانات خرید و فروش اوراق بهادار طیف وسیعی از مردم را در فعالیتهای مولد اقتصادی سهیم ساخته و با جمع‌آوری منابع مالی و تخصیص بهینه این منابع با توجه به نیازها و اولویتهای صنایع و مناطق بازار سرمایه را کارآمد و رشد و توسعه اقتصادی کشور را تداوم بخشد سعیدی و امیری (۱۳۸۷) و باعث افزایش اشتغال و در پی آن بهبود وضعیت درآمد در بین جامعه گردد.

در این مقاله پس از تشریح مبانی نظری تحقیق در پی یافتن تأثیر بورس به‌عنوان نهادی که موجب پویایی چرخه اقتصادی و افزایش تولید می‌شود با متغیرهای اقتصادی چون درآمد، اشتغال، تنوع‌سازی در فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری در صنعت می‌باشیم که این ارتباط را با محاسبه همبستگی و آزمون‌های مربوطه دیگر به سنجش در می‌آوریم.

۲. مبانی نظری تحقیق

بازار سرمایه با هدف تأمین منابع بلندمدت برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، نقش عمده‌ای را در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته ایفا نموده است که در این میان بورس اوراق بهادار

به‌عنوان اصلی‌ترین بخش بازار سرمایه مطرح می‌باشد. نقش اصلی بورس اوراق بهادار به‌عنوان رکن اساسی بازار تشکیل سرمایه، جذب و هدایت پس‌اندازها و نقدینگی سرگردان و پراکنده جامعه به مسیرهای بهینه و جهت دادن آن به طرف سرمایه‌گذاری مولد است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان به ۲ بخش واقعی و مالی تقسیم نمود. در بخش واقعی اقتصاد متغیرهایی مانند مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و سایر متغیرهایی از این جنس تعیین می‌شوند؛ حال آنکه بخش مالی به‌عنوان مکمل بخش واقعی در برگیرنده سایر فعالیت‌های اقتصادی است و بنابراین بازارهای پول، اوراق بهادار و دارایی‌های دیگر در این بخش دسته‌بندی می‌شوند.

یکی از چالش‌هایی که در سال‌های گذشته اقتصاددانان با آن مواجه بوده‌اند، ارتباط بین این ۲ بخش است. پس از شومپتر که بر اهمیت خدمات واسطه‌گری مالی در رشد اقتصادی تأکید داشت و با این دیدگاه رابطه‌ای مؤثر بین ۲ بخش مالی و واقعی قائل بود، نظریه‌پردازان تا حد زیادی از نقش بخش مالی در اقتصاد و تأثیر آن بر بخش واقعی چشم پوشیدند و به این ترتیب تا سال‌ها اقتصاددانان منکر اثرگذاری بخش مالی بر بخش واقعی بودند، سالم و یار محمدی (۱۳۹۰)، اما در پیشرفتی قابل توجه، اهمیت و تأثیر نظام مالی بر توسعه اقتصادی در مطالعات تأثیرگذار گلداسمیت (۱۹۶۹)، مک‌کینون (۱۹۷۳) و شاو (۱۹۷۳) به اثبات رسید. هرچند برخی مطالعات کنونی نیز جهت‌علیت را از رشد اقتصادی به توسعه مالی می‌یابند، اما تأثیر توسعه مالی بر متغیرهای واقعی اینک امری پذیرفته شده است. افزون بر این، در حال حاضر رشد اقتصادی تنها مسیر تأثیر بخش مالی بر بخش واقعی اقتصاد نیست و توسعه مالی از مسیرهای دیگری از جمله مصرف و توزیع درآمد نیز بخش واقعی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نقش و اثر به‌کارگیری واسطه‌های مالی در توسعه اقتصادی به کارهای شومپتر (۱۹۱۱)^۱، مک‌کینون و شاو برمی‌گردد. بحث ارائه شده توسط مک‌کینون و شاو این مسئله را شرح می‌دهد که چگونه محدود کردن فعالیت بانک‌ها، کنترل نرخ بهره، اعمال الزامات تنبیهی ذخایر و اعتبارات مستقیم منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین آزادسازی مالی که نتیجه عینی بحث مک‌کینون و شاو است، با افزایش انگیزه‌های پس‌انداز خانوارها و تخصیص این منابع به سمت سرمایه‌گذاری باعث رشد و توسعه اقتصادی شده و یک بخش آزاد شده مالی می‌بایست اجازه داشته باشد که نقش خود را به‌عنوان واسطه مالی به‌طور کامل اعمال نماید (متولی نیکوب، ۲۰۰۷)

یکی از ویژگی‌های مشخص بازارهای مالی، برنامه‌ریزی‌های متفاوت سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری است. این نکته کاملاً واضح است که دوره زمانی برنامه‌ریزی، میزان ریسک سرمایه‌گذار و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم به ۲ روش در بورس صورت

می‌گیرد. یکی از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری که علاقه و تعهدی برای حفظ سهام خود در شرکت‌های وابسته ندارند و سود خود را از طریق خرید و فروش سهام کسب می‌کنند و بنابراین دوره سرمایه‌گذاری آنها کوتاه‌مدت می‌باشد و دیگری از طریق هلدینگ‌ها است که هدف آنها ارزش‌آفرینی از طریق نگهداری و کنترل شرکت‌های تابعه می‌باشد و دوره سرمایه‌گذاری آنها بلندمدت است.

۳. آثار بورس اوراق بهادار

بازار بورس درون سیستم بزرگی به نام سیستم اجتماعی-اقتصادی کار می‌کند، بنابراین از این محیط به‌شدت تأثیر می‌پذیرد. این تأثیرپذیری قابل ملاحظه است زیرا بازار بورس ایران در شرایط جوانی و شکل‌گیری است به همین جهت از تحولات محیطی اثر بسیاری می‌پذیرد. بنابراین عواملی مانند نرخ رشد اقتصادی کشور، نرخ ارز، حاشیه سود فعالیت‌های دیگر اقتصادی، درآمدهای ارزی کشور، درجه و شدت آزادسازی و باز شدن اقتصاد ایران و گسترش و افزایش نقدینگی از عوامل محیطی مهمی هستند که بازار بورس را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مشرفی، ۱۳۸۴).

بر اساس تئوری‌های کلاسیک اقتصاد، اگر بخش‌های کارآمد اقتصاد گسترش یابند قادر به جذب عوامل تولید اضافی از بخش‌های غیر کارآمد خواهند بود. برای دستیابی به کارایی در جامعه می‌بایست شرکت‌ها و پروژه‌های غیر سودآور را تشخیص داد. با مکانیزمی کارآمد در بازار سرمایه به‌راحتی این کار را می‌توان انجام داد. در اقتصادی که بازار سرمایه آن درست عمل کند، از یک سو حجم سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و از سوی دیگر کیفیت و سلامت سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر می‌شود. در چنین چارچوبی امکان افزایش رشد اقتصادی نیز فراهم می‌گردد (سعیدی و امیری، ۱۳۸۷).

آگاهی از پیامدهای بورس و تأثیرات آن بر متغیرهای اقتصادی از طریق تأمین مالی و ایجاد سرمایه برای بخش‌های مختلف اقتصاد می‌تواند به سیاست‌گذاری مناسب به‌منظور تقویت اثرات مطلوب منجر شود و موجبات رشد و توسعه را از این طریق فراهم نماید. افزایش فعالیت بورس موجب افزایش تشکیل سرمایه و تغییر مقیاس می‌شود که مستلزم افزایش تقاضای نیروی کار می‌گردد. از طرف دیگر هدایت منابع مالی به سمت بورس باعث کاستن از حجم نقدینگی بخش خصوصی به‌صورت برداشت از سپرده‌های دیداری و سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار است که با استفاده از این سپرده‌ها از طریق خرید سهام شرکت‌ها جذب تولید می‌گردد (بلوریان تهرانی، ۱۳۷۱). نتیجه این تغییرات افزایش تولید، کنترل تورم، کاهش شتاب افزایش قیمت‌ها و در نهایت افزایش رفاه مصرف‌کنندگان خواهد بود.

برخی از تحلیلگران اقتصادی معتقدند که بازار بورس اوراق بهادار کشورهای در حال توسعه اثر چندانی مثبتی در رشد و توسعه اقتصادی ندارد، اما شواهد و مطالعات اخیر نشان می‌دهد که بازار

اوراق بهادار می‌تواند تأثیری عمیق در رشد و توسعه اقتصادی بگذارد. این بازارها می‌توانند با جمع‌آوری نقدینگی جامعه، ضمن تأمین سرمایه کوتاه‌مدت برای واحدهای نیازمند سرمایه بلندمدت را نیز برای سرمایه‌گذاری سودآور تأمین کنند (رجبی و حیدری هراتمه، ۱۳۸۸).

۴. توزیع تابعی درآمد

با آنکه اساس نظریات مکتب کلاسیک به اسمیت باز می‌گردد، اما ریکاردو نظریه توزیع درآمد را در این مکتب بسط داده است. ریکاردو برخلاف اسمیت و مالئوس که بهبود رفاه اقتصادی مردم جامعه را به تولید کلی آن و تعداد افرادی که در امر تولید شرکت دارند وابسته می‌دیدند، در تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی، مسئله توزیع را مهم‌تر برمی‌شمارد. به عقیده وی توزیع درآمد مهم‌تر از نحوه اکتساب درآمد بود و اقتصاد سیاسی قوانینی است که بر اساس آنها تولید در جامعه میان طبقات مختلف تقسیم شده است. به نظر ریکاردو قوانین توزیع ثروت، تنها هدف واقعی علم اقتصاد است (تفضلی، ۱۳۸۶). ریکاردو گروه‌های سه‌گانه اقتصادی اجتماعی را تعریف می‌کند؛ سرمایه‌داران، در مقابل ارائه سرمایه خود سود دریافت می‌کنند و از محل سود دریافتی به تراکم سرمایه می‌پردازند و از این طریق موجب رشد اقتصادی جامعه می‌شوند. تراکم سرمایه توسط این طبقه تا هنگامی ادامه خواهد داشت که میزان سود دریافتی در سطحی بالاتر از یک حداقل قرار گرفته باشد. کارگران، از نظر تعداد، بزرگترین طبقه را تشکیل می‌دهند اما چون مالک عوامل تولید نیستند برای امرار معاش مجبورند به کمک نیروی کار خود درآمدی به نام دستمزد به‌دست آورند که در بلندمدت همراه با افزایش جمعیت و ثابت ماندن عوامل دیگر از جمله تکنولوژی میزان دستمزد به سطح حداقل معیشت که توسط عرف جامعه تعیین می‌شود، کاهش می‌یابد. مالکین زمین، با داشتن مالکیت زمین و عرضه آن برای کشت و زرع از کشاورزان بهره‌مالکانه را دریافت می‌کنند و به‌مرور زمان غنی و غنی‌تر می‌شوند. ریکاردو در قالب این الگو نظام توزیع درآمدی را بر اساس تقسیم برونزای تولید بین عوامل مختلف بنا می‌کند (شاگری و مالکی، ۱۳۸۸).

۵. پیشینه تحقیق

چیت‌ساز (۱۳۷۶) در تحقیق خود تحت‌عنوان "نقش بورس اوراق بهادار تهران در بازار سرمایه" به بررسی و تجزیه و تحلیل نقش بازار بورس در اقتصاد پرداخته و جایگاه بورس تهران را در بین بورس‌های جهان بررسی کرده و تأثیر سرمایه‌شرکت‌ها را روی شاخص کل از روش علی بیان نموده است. جامعه آماری مورد بررسی شامل ۲۴۲ شرکت بوده که به‌طور غیر مشروط در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و به حالت تعلیق درنیامده‌اند. در این تحقیق شیوه‌های به‌کارگیری تأمین مالی در بورس مورد بررسی قرار گرفته و نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که ضعف کنترل میزان افزایش سرمایه، نظارت و کنترل تغییرات قیمت،

اثرگذاری مشکلات بازار پول بر بازار سرمایه و هدفمند نبودن عرضه سهام بخش عمومی مانع از شکل گرفتن یک منبع پایدار تأمین سرمایه برای شرکت‌ها گردیده است.

اسلاملوئیان و زارع (۱۳۸۵) تأثیر متغیر کلان و دارایی‌های جایگزین بر قیمت سهام در ایران را با استفاده از روش پسران و همکاران و یک الگوی خود همبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) و بهره‌گیری از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه لوکس طی دوره فصل سوم سال ۱۳۷۲ تا فصل اول سال ۱۳۸۲ مورد بررسی قرار دادند. شاخص تولیدات صنعتی، نسبت قیمت داخل به خارج، حجم پول و قیمت نفت به‌عنوان متغیرهای مهم کلان اقتصادی و ارز، قیمت سکه، طلا و قیمت مسکن به‌عنوان دارایی‌های عمده جایگزین، متغیرهای توضیحی مطالعه فوق می‌باشند. آنها نشان دادند بین شاخص قیمت سهام و متغیرهای اشاره شده رابطه تعادلی بلندمدت وجود دارد.

نسبت قیمت داخل به خارج، قیمت نفت، قیمت مسکن و قیمت سکه تأثیر مثبت و نرخ ارز و حجم پول تأثیر منفی بر شاخص قیمت سهام دارند. شاخص تولیدات صنعتی بر روی رفتار قیمت سهام در ایران بی‌تأثیر است. با توجه به برآورد الگوی تصحیح خطا حدود نیمی از عدم تعادل در هر دوره تعدیل می‌گردد.

میرمطهری (۱۳۸۶)، در مقاله خود تحت‌عنوان "آزمون رابطه میان رشد اقتصادی و ساختار مالی ایران" به بررسی تأثیر ساختار مالی بر نظام اقتصادی از طریق نسبت ارزش جاری بازار سهام به میزان تسهیلات بانک پرداخته است. نتایج یافته‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که برای رسیدن به رشد اقتصادی می‌بایست به بازار مالی و ساختار آن توجه خاصی معطوف نموده و در این میان تقویت بازار سهام و افزایش کارایی نظام بانکی، می‌تواند گامی اساسی در جهت توانمندسازی اقتصاد کشور محسوب شود.

عصاری و همکاران (۱۳۸۸) تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری را در کشورهای عضو اپک^۱ در دوره (۲۰۰۴-۱۹۹۰) بررسی نموده‌اند. در این مطالعه که از مدل داده‌های تابلویی پویا و ایستا استفاده شده و از گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و با اثرات ثابت تصادفی برآورد شده است، نتیجه‌گیری شده که توسعه مالی از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی می‌تواند سهم بسزایی در کاهش فقر و نابرابری در کشورهای نفت‌خیز عضو اپک داشته باشد.

رجبی و حیدری‌هراتمه (۱۳۸۸) در مقاله خود تحت‌عنوان "بررسی اثر گسترش بازارهای بورس منطقه‌ای بر رشد و توسعه مناطق" در پی بررسی اثر گسترش بر توسعه استان اصفهان بودند که مطالعات میدانی و آزمون‌های به‌عمل آمده نشان داد، علیرغم محدودیت‌های موجود در گسترش بورس‌های منطقه‌ای، با توجه به اینکه بنگاه‌های مستقر در منطقه را تأمین مالی می‌نمایند بر رشد و توسعه منطقه‌ای مؤثر خواهند بود.

چونگ و هوک (۲۰۰۳)، در مقاله خود تحت عنوان "توسعه بازار مالی و رشد اقتصادی در مالزی" بیان می‌دارند که فهمیدن ارتباط بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی مهم‌ترین عامل در بالا بردن سطح اقتصاد ملی و در نتیجه رشد اقتصادی می‌باشد. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که توسعه بازار مالی عامل مهمی برای رشد و توسعه اقتصادی در بلندمدت محسوب می‌شود.

دپکه و هارتمن (۲۰۰۶) با بررسی پیش‌بینی تغییرات کوتاه‌مدت بازار بورس با داده‌های کلان اقتصادی در زمان واقعی به مقایسه بین پیش‌بینی تغییرات کوتاه‌مدت بازار سهام بر اساس داده‌های زمان واقعی و داده‌های اصلاح شده کلان اقتصادی در آلمان طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۹۴) می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد ارزش آماری و اقتصادی پیش‌بینی تغییرات کوتاه‌مدت بر اساس داده‌های زمان واقعی قابل مقایسه با ارزش پیش‌بینی‌ها بر اساس داده‌های کلان اقتصادی اصلاح شده است.

هامپ و مک‌میلن (۲۰۰۷) اثر متغیرهای کلان اقتصادی را بر جابه‌جایی‌های بلندمدت در بازار سهام نشان داده‌اند. آنها برای رسیدن به این هدف با ارائه یک مدل استاندارد مناسب به توضیح عوامل مؤثر بر جابه‌جایی‌های بلندمدت بین بازار سهام آمریکا و ژاپن پرداخته‌اند. در این مطالعه اهمیت تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی انتخاب شده بر رفتار بلندمدت بازارهای سهام ایالات متحده و ژاپن آشکار خواهد شد. بنابراین آنها با ارائه یک تحلیل هم‌تجمعی برای مدل، رابطه بلندمدت بین تولیدات صنعتی، شاخص قیمت مصرف‌کننده، عرضه پول، نرخ بهره کوتاه‌مدت و بلندمدت و قیمت سهام را در کشورهای آمریکا و ژاپن بررسی کرده‌اند. آمار مورد استفاده آنها از ماه نخست سال ۱۹۶۰ تا ماه پنجم سال ۲۰۰۴ می‌باشد.

بیتنکورت و میر (۲۰۰۶) اثر توسعه مالی بر توزیع درآمد را با توجه با اطلاعات مربوط به داده‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در کشور برزیل به صورت داده‌های تابلویی و سری زمانی بررسی نموده‌اند. آنها نتیجه می‌گیرند که دسترسی بیشتر افراد به بازارهای مالی و اعتباری در طول دوره مورد بررسی، اثر معنادار و بزرگی بر کاهش نابرابری در برزیل داشته است. به اعتقاد آنها، نابرابری تنها به دلیل دسترسی افراد کم‌درآمد به اعتبارات لازم برای سرمایه‌گذاری کاهش نیافته و در کنار این دلیل افزایش توانایی افراد کم‌درآمد در مقابله با شوک‌های اقتصاد کلان از جمله افزایش قابل توجه تورم همگام با پیشرفت بخش مالی نیز از دلایل کاهش نابرابری در شرایط توسعه مالی است.

آنگک (۲۰۰۹) جهت علیت در رابطه بین توسعه مالی و توزیع درآمد را با استفاده از اطلاعات اقتصاد هند بررسی نموده است. بر اساس این بررسی که با استفاده از مدل VECM صورت گرفته در بلندمدت رابطه قوی و معناداری بین آزادسازی بخش مالی و توزیع درآمد برقرار بوده و رابطه بین آنها رابطه‌ای دو سویه است.

آننگ (۲۰۱۰) رابطه بخش مالی و نابرابری را در کشور هند و با توجه به داده‌های سری زمانی این کشور در دوره (۲۰۰۳-۱۹۵۱) بررسی می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد که حتی با در نظر گرفتن شاخص‌های متفاوت توسعه مالی، توسعه مالی نقش قابل توجهی در کاهش نابرابری توزیع درآمد داشته است.

۶. اهمیت و ضرورت پژوهش

رشد و توسعه اقتصادی از پدیده‌های بسیار مهم عصر حاضر است و در زمره آرمان‌های بسیاری از کشورها محسوب می‌شود. تحقق این واقعیت انکارناپذیر و ضروری عصر حاضر به ساز و کارهای مناسبی نیاز دارد. یکی از ساز و کارهای لازم و ضروری که در تحقیق و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی نقش عمده‌ای دارد بازار سهام و بدهی است. در واقع تداوم فعالیت بازار سهام و بدهی موجب افزایش رشد اقتصادی کشور می‌شود (پورحیدری و پهلوان، ۱۳۸۷). این موضوع به این دلیل که عاملی برای تولید، اشتغال و به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی هر کشور است از موضوعات اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود.

سرمایه‌گذاری از مجاری مختلفی صورت می‌گیرد که از جمله آنها، سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها از طریق بورس اوراق بهادار است. بورس اوراق بهادار با به وجود آوردن امکان سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌هایی که شرایط عرضه سهام خود به عموم مردم را داشته‌اند، می‌تواند نقش بزرگی در پویایی شرکت‌ها و اقتصاد بازی کند. بنابراین شرکت‌ها با عرضه سهام از طریق بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاران با خرید سهام و سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها امکان مشارکت در توسعه اقتصادی را به‌دست آورده و خود را جزئی کمک‌کننده به توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور می‌دانند (ابزری و همکاران، ۱۳۸۶).

۷. بررسی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: به‌نظر می‌رسد سهامداران مورد مطالعه نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس نگرش مطلوب دارند.
فرضیه دوم: بین نگرش سهامداران از بورس و درآمد رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.
فرضیه سوم: بین نگرش سهامداران از بورس و اشتغال رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.
فرضیه چهارم: بین نگرش سهامداران از بورس و تنوع در فعالیت‌های اقتصادی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.
فرضیه پنجم: تفاوت معناداری بین نگرش سهامداران از بورس در شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.
فرضیه ششم: تفاوت معناداری بین معیار اقتصاد سهامداران بورس اوراق بهادار شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.

۸. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه پژوهش، توصیفی-پیمایشی از شاخه میدانی است. برای جمع‌آوری مطالب مربوط به ادبیات موضوع از روش کتابخانه‌ای نظیر کتب، مجلات، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد داخلی و خارجی، گزارشات بورس اوراق بهادار و سایت‌های رایانه‌ای استفاده گردیده است. برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها از یک پرسشنامه محقق ساخته که دارای پایایی قابل قبول ۰/۹۳۴ می‌باشد و روایی آن توسط روایی صوری (نظرات کارشناسان و متخصصان) مورد تأیید واقع شده، استفاده شده است. پرسشنامه بین سهامداران ۹ شهر توزیع گردید. تمام پرسشنامه‌ها پس از توزیع بین سرمایه‌گذاران در بورس دریافت گردید. تمام افرادی که در سال مالی ۱۳۹۳ در این ۹ شهر به سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند جامعه آماری ما را تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌برداری تصادفی است و این افراد به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند.

در این پژوهش برای پردازش داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌ها و تلخیص آنها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. همچنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و برای تشریح و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده از آمار استنباطی (آزمون ANOVA و همبستگی پیرسون) به منظور تأیید یا رد فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است.

۹. نتایج تجربی تحقیق

- بررسی فرضیه اول: به نظر می‌رسد سهامداران مورد مطالعه از سرمایه‌گذاری در بورس نگرش مطلوب دارند. با توجه به سطح مورد انتظار نگرش سهامداران نسبت به بورس و سطح واقعی این تفاوت فاحش را می‌توان درک کرد. با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری کمتر از $\frac{5}{100}$ می‌باشد بنابراین، بین نگرش سهامداران نسبت به بورس با سطح توقع آنها تفاوت فاحش وجود دارد. پس می‌توان اینگونه بیان نمود که فرض ما مبنی بر نگرش مطلوب سرمایه‌گذاران نسبت به بورس رد می‌شود.

جدول ۱. سطح نگرش سهامداران با سطح مورد انتظار

	مقدار واقعی	مورد انتظار	تفاضل
۱	۱۱	۵۵	-۴۴
۲	۵۸	۵۵	۳
۳	۸۶	۵۵	۳۱
۴	۱۰۳	۵۵	۴۸
۵	۱۷	۵۵	-۳۸
جمع	۲۷۵		

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۲. آزمون کای دو مربوط به بررسی نگرش سهامداران

نگرش	کای دو
۱۲۰/۹۸۲a	کای دو
۴	دامنه آزادی
۰/۰	سطح معناداری

مأخذ: نتایج تحقیق.

- بررسی فرضیه دوم: بین نگرش سهامداران از بورس و درآمد رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 & p = 0 \\ H_1 & p \neq 0 \end{cases} \quad (1)$$

فرض H_0 معرف عدم همبستگی و فرض H_1 معرف بیان همبستگی بین نگرش سهامداران از بورس و درآمد سرمایه گذاران می باشد و با سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان بیان نمود از آنجایی که سطح اطمینان کمتر از ۵ درصد است پس فرض H_0 مبنی بر عدم همبستگی رد می شود و بین ۲ متغیر نگرش سهامداران و مقدار درآمد آنها همبستگی وجود دارد و با توجه به مثبت بودن مقدار آن، این ارتباط مثبت و مستقیم می باشد که مقدار همبستگی برابر با ۰/۴۷۳ می باشد. این آزمون حتی در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیز قابل آزمون است و نتایج مشابه می توان گرفت.

جدول ۳. همبستگی نگرش با درآمد

نگرش	درآمد	همبستگی پیرسون
۰/۴۷۳**	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰		سطح معناداری
۲۷۵	۲۷۵	تعداد
۱	۰/۴۷۳**	همبستگی پیرسون
۰/۰		سطح معناداری
۲۷۵	۲۷۵	تعداد

مأخذ: نتایج تحقیق.

- بررسی فرضیه سوم: بین نگرش سهامداران به بورس و اشتغال رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 & p = 0 \\ H_1 & p \neq 0 \end{cases} \quad (2)$$

با توجه به سطح معناداری جدول (سطح معناداری = ۰/۰۵) کوچکتر از $\frac{5}{100}$ می‌باشد، بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرض H_0 مبنی بر استقلال بین ۲ متغیر، نگرش نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس و سطح اشتغال را رد کرد و بیان نمود بین ۲ متغیر نگرش سرمایه‌گذاران نسبت به بورس و اشتغال رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

جدول ۴. همبستگی بین نگرش و اشتغال

		اشتغال	نگرش
اشتغال	همبستگی پیرسون	۱	۰/۲۵۹**
	سطح معناداری		۰/۰
	تعداد	۲۷۵	۲۷۵
نگرش	همبستگی پیرسون	۰/۲۵۹**	۱
	سطح معناداری	۰/۰	
	تعداد	۲۷۵	۲۷۵

مأخذ: نتایج تحقیق.

- بررسی فرضیه چهارم: بین نگرش سهامداران به بورس و تنوع در فعالیت‌های اقتصادی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 & p = 0 \\ H_1 & p \neq 0 \end{cases} \quad (۳)$$

به دلیل اینکه سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرض صفر مبنی بر عدم همبستگی بین ۲ متغیر نگرش سهامداران نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس و متنوع‌سازی فعالیت اقتصادی را رد و اینگونه بیان نمود که بین نگرش سهامداران نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس و متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

جدول ۵. همبستگی بین نگرش و تنوع‌سازی در فعالیت‌های اقتصادی

	متنوع سازی	نگرش
تنوع‌سازی فعالیت‌ها	همبستگی پیرسون	۰/۲۵۲**
	سطح معناداری	۰/۰
	تعداد	۲۷۵
نگرش	همبستگی پیرسون	۰/۲۵۲**
	سطح معناداری	۰/۰
	تعداد	۲۷۵

مأخذ: نتایج تحقیق.

- بررسی فرضیه پنجم: تفاوت معناداری بین نگرش سهامداران از بورس در بین شهرهای مورد مطالعه وجود دارد. بنابراین با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری از $\frac{5}{100}$ با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرض برابری میانگین نگرش سهامداران نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس را در بین شهرهای مختلف مورد مطالعه رد کرد و با توجه به جدول Tukey HSD می‌توان بیان نمود که شهرهای کرج، همدان و سمنان دارای میانگین‌های متفاوت‌تری در نگرش به سرمایه‌گذاری در بورس نسبت به بقیه شهرها دارا هستند و از این بین سرمایه‌گذاران شهر سمنان دارای نگرشی بسیار مثبت‌تر نسبت به بقیه شهرها هستند و سرمایه‌گذاران کرج منفی‌ترین دید را نسبت به سرمایه‌گذاری در بورس دارند.

جدول ۶. آزمون آنووا^۱

سطح معناداری	F	میانگین توان دوم تیمارها	درجه آزادی	مجموع توان دوم تیمارها
۰/۰۳۴	۲/۳۱۶	۴۳/۱۵۹	۶	۲۵۸/۹۵۶
		۱۸/۶۳۵	۲۶۸	۴۹۹۴/۲۶۶
			۲۷۴	۵۲۵۳/۲۲۲

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۷. آزمون توکی مربوط به مقایسه میانگین نگرش شهرهای مورد مطالعه

شهر	N	Subset for alpha = 0.05	
		۱	۲
کرج	۳۶	۱۷/۵۵۵۶	
شیراز	۶۰	۱۹/۰۸۳۳	۱۹/۰۸۳۳
قم	۳۲	۱۹/۱۲۵	۱۹/۱۲۵
اصفهان	۷۱	۱۹/۶۱۹۷	۱۹/۶۱۹۷
زنجان	۲۸	۱۹/۷۵	۱۹/۷۵
همدان	۲۶		۲۰/۸۰۷۷
سمنان	۲۲		۲۱/۱۸۱۸
سطح معناداری		۰/۳۶۹	۰/۴۲۵

مأخذ: نتایج تحقیق.

بررسی نگرش سهامداران نسبت به بورس و تأثیر آن ... ۱۰۳

بررسی فرضیه ششم: تفاوت معناداری بین معیار اقتصاد سهامداران بورس اوراق بهادار شهرهای مورد مطالعه وجود دارد. بنابراین با توجه به بزرگتر بودن سطح معناداری (سطح معناداری=۰/۶۴) از $\frac{5}{100}$ با اطمینان ۹۵ درصد می توان فرض برابری میانگین اقتصادی سهامداران را در بین شهرهای مختلف مورد مطالعه تأیید و بیان نمود از لحاظ اقتصادی تفاوت فاحشی بین شهرهای مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول ۸. آزمون آنووا

سطح معناداری	F	میانگین توان دوم تیمارها	دامنه آزادی	مجموع توان دوم تیمارها
۰/۰۶۴	۲/۰۱۸	۳۹۷/۱۴۷	۶	۲۳۸۲/۸۳۳
		۱۹۶/۸۳۳	۲۶۸	۵۲۷۵۱/۲۹۹
			۲۷۴	۵۵۱۳۴/۱۸۲

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۹. آزمون توکی مربوط به مقایسه میانگین اقتصادی شهرهای مورد مطالعه

شهر	N	Subset for alpha = 0.05
		۱
سمنان	۲۲	۵۶/۵
همدان	۲۶	۵۸/۶۱۵۴
شیراز	۶۰	۶۰/۰۱۶۷
قم	۳۲	۶۰/۳۱۲۵
اصفهان	۷۱	۶۳/۳۹۴۴
زنجان	۲۸	۶۴/۹۲۸۶
کرج	۳۶	۶۶/۴۷۲۲
سطح معناداری		۰/۰۶۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

۱۰. نتیجه گیری

پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها و تحلیل اطلاعات و همچنین مصاحبه‌هایی که با سرمایه‌گذاران صورت گرفت می توان اینگونه بیان نمود که نسبت به دید و انتظاری که سرمایه‌گذاران به بورس دارند تا آنچه که در عالم واقع بر بورس ما حاکم است تفاوت بسیاری وجود دارد که این امر عاملی جهت نارضایتی سرمایه‌گذاران و عدم نگرش مطلوب نسبت به بورس می شود و آن را به دلیل عدم ثبات در رویه‌های اقتصادی و سیاست‌های کلان دولت می دانند که باعث عدم ثبات در بازار سرمایه‌گذاری است و بررسی که می تواند عامل افزایش درآمد برای سرمایه‌گذاران شود، آنها را با مخاطره روبرو می کند.

بورس به‌عنوان مکانی جهت سرمایه‌گذاری می‌تواند برای سرمایه‌گذاران یک شغل تلقی شود. شغلی که با افزایش مهارت‌های تئوری و عملی برای سرمایه‌گذاران می‌تواند عاملی در جهت افزایش درآمد باشد. همچنین، شغل دوم که موجب افزایش و تنوع در فعالیت‌های اقتصادی افرادی شود که مشغول سرمایه‌گذاری در بورس هستند. دولت می‌تواند با ایجاد راهکارهای متناسب اقتصادی ثباتی در جهت سرمایه‌گذاری هرچه امن‌تر و محیطی مناسب‌تر جهت سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران ایجاد کند و با ارائه آموزش‌های تئوریک و برگزاری کلاس‌های نظری مناسب راه‌های افزایش درآمد و سود بیشتر را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد تا از یک‌سو موجب بهبود نگرش سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در بورس شود و از سوی دیگر عاملی باشد جهت معرفی تالار بورس به‌عنوان مکانی جهت کسب درآمد و حتی نشان دادن به‌عنوان شغلی که در تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی خانوارها می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد و از سوی دیگر می‌توان بورس را عاملی جهت به حرکت درآوردن چرخ‌های صنعت دانست.

منابع

- ابزری، مهدی، صمدی، سعید و علی صفری (۱۳۸۶)، "نقش گروه‌های مرجع در ترغیب افراد به سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار (مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار اصفهان)"، *بررسی‌های حسابرسی*، شماره ۱۴، سال ۴۸، صص ۲۲-۳.
- اسلامولیان، کریم و هاشم زارع (۱۳۸۵)، "تأثیر متغیرهای کلان و دارایی‌های جایگزین بر قیمت سهام در ایران: یک الگوی خود همبسته با وقفه‌های توزیعی"، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۴۶-۱۷.
- بلوریان تهرانی، محمدرضا (۱۳۷۱)، *بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد بازرگانی*، مؤسسه مطالعاتی و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی.
- پورحیدری، امید و حمید پهلوان (۱۳۸۷)، "بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر بازدهی اوراق بهادار"، *بورس اوراق بهادار*، سال یکم، شماره ۱، صص ۹۹-۷۱.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۶)، *تاریخ عقاید اقتصادی، از افلاطون تا دوره معاصر*، چاپ ۷، تهران: نشر نی.
- چیت‌ساز، مهران (۱۳۷۶)، *نقش بورس اوراق بهادار تهران در بازار سرمایه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان.
- دانیالی ده‌حوض، محمود و حسین منصوری (۱۳۹۱)، "بررسی کارایی بورس اوراق بهادار تهران در سطح ضعیف و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آن"، *پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)*، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۹۶-۷۱.
- رجیبی، مصطفی و مصطفی حیدری هراتمه (۱۳۸۸)، "بررسی اثر گسترش بازارهای بورس منطقه‌ای بر رشد و توسعه مناطق (مورد مطالعه بورس استان اصفهان)"، *بصیرت*، سال ۱۷، شماره ۴۵، صص ۱۳۶-۱۱۹.
- سالم، علی اصغر و جواد عرب یارمحمدی (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد در اقتصاد ایران"، *روند پژوهشی‌های اقتصادی*، سال ۱۹، شماره ۵۸، صص ۱۵۱-۱۲۷.

بررسی نگرش سهامداران نسبت به بورس و تأثیر آن ... ۱۰۵

سعیدی، پرویز و عبدالله امیری (۱۳۸۷)، "بررسی رابطه متغیرهای کلان اقتصادی با شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران"، *مدلسازی اقتصادی*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۱۱.

شاگردی، عباس، امین مالکی (۱۳۸۸)، "تحول در اندیشه توزیع درآمد در قرن بیستم (حرکت از توزیع تابع به توزیع مقداری درآمد)"، *پژوهشنامه اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۴.

عصاری، عباس، ناصری، علیرضا و مجید آقایی خوندایی (۱۳۸۸)، "تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اپک (OPEC)"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۳، صص ۵۱-۲۹.

مشرفی، گوهر، "بررسی علل افت و خیزهای بورس اوراق بهادار (جایگاه بورس در اقتصاد کلان)"، *تدبیر*، صص ۱۶۱-۱۶۰. میرمطهری، سید احمد (۱۳۸۶)، "آزمون رابطه میان رشد اقتصادی و ساختار مالی ایران"، *پژوهش‌های اقتصادی*، ص ۲۴.

Ang, James, B. (2009), "Financial Liberalization and Income Inequality", MPRA, Paper, No. 14496.

Ang, James, B. (2010), "Finance and Inequality: The Case of India", *Southern Economic Journal*, Vol. 76, No. 3, PP. 738-761.

Bittencourt MF Meyer (2006), *Financial Development and Inequality: Brazil 1985-1999*.

Choong, Chee-Keong & S. Hook (2003), "Financial Development and Economic".

Dopke, J. & D. Hartman (2006), "Forecasting Stock Market Vitality with Macroeconomic Variables in Real Time; Banking and Financial I Studies, No. 1.

Goldsmith, R. W. (1969), *Financial Structure and Development*, Yale University Press.

Growth in Malaysia: The Stock Market Perspective", Economics Working Paper Archive at WUSTL.

Humpe, A. & P. Macmillan (2007), *Can Macroeconomic Variables Explain Long Term Stock Market Movements? A Comparison of the US and Japan CDMA Working*.

McKinnon, R. I. (1973), *Money and Capital in Economic Development*, Brookings Institution.

Mthuli, Ncube (2007), "Financial Series and Economic Development in Africa", *Journal of African Economics*, Vol. 16.

Shaw, E. S. (1973), *Financial Deepening in Economic Development*, Oxford University Press.

